

تقویم
تلویزیونی

در آستانه ۸۰ آبان، نگاهی داشتید

ملاقات با بچه‌های



سارا صالحی الیگودرز

از اهالی قلم

در این هفته روزی داریم که به نام نوجوانان مزین شده است. هشت آبان ۱۳۵۹ روزی بود که حسین فهمیده، نوجوان ۱۳ ساله بسیجی در دفاع مقدس به شهادت رسید و به این مناسبت، روز نوجوان و بسیج دانش‌آموزی نام‌گذاری شد. در فهرست آثار تلویزیونی مرتبط با این روز، به عناوین سریال‌ها و برنامه‌هایی برمی‌خوریم که مرورشان خاطرات بسیاری را زنده می‌کند؛ هرچند همچنان باید برای این گروه سنی، تولید محتوای درخور و وطنی بیشتری صورت گیرد، اما این که شبکه امید به عنوان شبکه تخصصی نوجوانان مشغول به کار است و دیگر شبکه‌ها نیز آثاری برای مخاطبان این گروه سنی حساس تولید، تأمین و روانه آنتن می‌کنند، واقعیتی است که باید آن را به فال نیک گرفت. به خاطر مناسبتی که ذکر شد، پرونده تقویم تلویزیونی این هفته را به بررسی تعدادی از آثاری اختصاص دادیم که به‌طور مشخص برای نوجوانان تولید شدند یا قهرمانی نوجوان در آنها درخشیده و در خاطرها مانده است.

آسمان برای نوجوانان

یکی از سریال‌هایی که با محوریت نوجوانان در قاب تلویزیون روی آنتن رفت، «آسمان همیشه ابری نیست» به تهیه‌کنندگی امیر هوشنگ پوررحمانی بود. این سریال، روایتگر زندگی و دغدغه‌های پنج دوست و هم‌کلاسی است که هریک به فراخور زندگی‌شان با مسائل و مشکلاتی مواجه هستند. دخترانی که در برهه حساس نوجوانی، روزهای تلخ و شیرینی را تجربه می‌کنند؛ روزهایی که گاه با قهر و آشتی و گاه با اشک و لبخند سپری می‌شود. این سریال در سال ۱۳۸۹ به کارگردانی سعید عالم‌زاده و نویسندگی احمد خداکریم، از شبکه یک سیما روی آنتن رفت.

قصه که در فضای یک دبیرستان و همچنین خانواده‌های این دانش‌آموزان با نقش‌آفرینی حدیثه تهرانی، لیلا بلوکات، سمیرا حسینی و... می‌گذشت، سعی داشت روایتی از دغدغه‌های گروه سنی نوجوان داشته باشد. پوررحمانی در گفت‌وگویی مطرح کرد: «در این مجموعه به مسائل تربیتی پرداختیم. گاهی پیش می‌آید مدیر یا معاون مدرسه نیز قضاوت‌های اشتباه درباره بچه‌ها می‌کنند. در مجموعه آسمان همیشه ابری نیست، سعی کردیم به این مسائل بپردازیم که مثلاً نباید راحت آبروی آدم‌ها را برد یا به قرص‌های روان‌گردان و... هم پرداختیم.»

البته برخی در آن زمان نسبت به این که بازیگران نقش‌های نوجوان از میان کسانی انتخاب شدند که در واقعیت خیلی بزرگ‌تر هستند، انتقاد کردند، اما به هر حال سریال توانست مخاطبان را با خود همراه کند.

سمیرا حسینی، بازیگر نقش نسرین در این باره در گفت‌وگویی بیان کرده بود: وقتی بازی من در این مجموعه شروع شد هنوز فیلمنامه اکاملاً نخوانده بودم. باید بگویم که من خیلی روی فیلمنامه و نقشم کار و شخصیت‌پردازی می‌کنم؛ تا آنجایی که اجازه داشته باشم نقش را تجزیه و تحلیل کنم. نسرین شخصیتی بود که چندسالی از سن و سال خود من کوچک‌تر بود. خیلی به حالت‌هایی که سال‌های دبیرستان داشتیم فکر می‌کردم و مدام آن سال‌ها را برای خودم تمرین می‌کردم. واقعا یک دختر دبیرستانی شدم و انگار به سال‌های قبل زندگی‌ام برگشته بودم. خصوصاً این که نسرین طی داستان از یک دختر ساده شادوشنگول به یک دختر پخته سردوگرم چشیده تبدیل می‌شود. این سیر تحول را در مورد نسرین دوست داشتم.

قصه‌های یک دبیرستان

سریال دیگری با حال و هوای نوجوانی را می‌توان «دبیرستان خضرا» به کارگردانی زنده‌یاد اکبر خواجه‌جویی، تهیه‌کنندگی ابراهیم منصوری و نویسندگی اسماعیل رحیم‌زاده، حسن مهدوی‌فر

و سیامک تقی‌پور دانست. این سریال که برای بسیاری از نوجوانان دیروز، اثری خاطره‌انگیز به حساب می‌آید سال ۱۳۷۵ روی آنتن شبکه دو سیما رفت. تصویربرداری سریال اول مهر ۱۳۷۴ در دبیرستان گیو تهران آغاز شد. داستان آن از این قرار بود که یک معلم پرورشی دلسوز و متعهد به نام خانم شکبیه معتمدی به دبیرستانی با نام خضرا منتقل می‌شود. یکی از شاگردان سابق او (به نام لیلا) هم به دلیل وابستگی عاطفی به وی می‌خواهد همراه او به دبیرستان جدید برود. در زمانی که خانم معتمدی پیگیر کارهای ثبت‌نام لیلا در دبیرستان خضراست، وی به اتهام قتل ناپدری‌اش دستگیر می‌شود. در ادامه خانم معتمدی و همسرش با استفاده وکیل برای اثبات بی‌گناهی لیلا و رهایی وی از زندان تلاش می‌کنند. در این سریال نیز به آسیب‌های اجتماعی که ممکن است گریبانگیر نوجوان شود پرداخته شده بود. همچنین متن سریال به طیف‌های مختلف فکری در نظام آموزشی که دیدگاه‌های متفاوتی در برخورد با نوجوانان دارند نیز نگاهی داشت. شکبیه در این قصه نماینده گروهی از معلمان بود که تلاش می‌کنند، ارتباط مؤثری با نسل جدید برقرار کنند و فراتر از امر آموزش به پرورش نیز توجه داشته و با حفظ احترام در عین دوستی، گوشه شنوا برای مسائل نوجوان باشد. آریتا حاجیان، ایفاگر نقش شکبیه بود و در کنار او چهره‌هایی همچون غلامرضا طباطبایی، محمود جعفری، نیکو خردمند، آریتا لاجینی، خسرو شجاع‌زاده، تانیا جوهری، رویا خلیلی، مریلا زارعی، آناهیتا همتی، مونا زاهد، آریتا ستوده، افسانه ماهیان، فاطمه طاهری، سعید امیرسلیمانی، معصومه آقاجانی و پری امیرحوزه حضور داشتند.

سریال به رسم آثار نمایشی قدیمی دوبله شده بود و مدیریت دوبلاژ آن را زهره شکوفنده از پیشکسوتان عرصه صدایشکی برعهده داشت.

ماجراهای بهترین تابستان من

علی صادقی که چند سالی است به واسطه حضورش در سریال‌های کم‌دی به فردی شناخته‌شده بدل شده و این شب‌ها نیز با حضور در برنامه چارپایه شبکه سه سیما بار دیگر همراه مخاطبان است، با مجموعه کودکانه آفتاب عالم‌تاب در سال ۱۳۶۹ آغاز به کار کرد اما با دومین سریالش به نام «بهترین تابستان من» و در ایام نوجوانی بیشتر به مخاطبان معرفی شد. سریال را علی بهادر براساس متنی از علیرضا اسحاقی کارگردانی و حمیدرضا عاملی‌ساوجی تهیه کرد. این مجموعه تلویزیونی درباره یک نوجوان پرشور یزدی به نام سعید بود که تابستان را در پشت جبهه‌های جنگ می‌گذراند و این می‌شود بهترین تابستان زندگی او. نقش سعید

در این سریال با دوبله افشین زی‌نوری، لهجه یزدی داشت. مدیریت دوبلاژ نیز برعهده امیر هوشنگ زند و موسیقی خاطره‌انگیز آن هم ساخته فریبرز لاجینی بود. این مجموعه نمایشی سال ۱۳۷۵ تولید و از شبکه یک سیما پخش شد. سید جواد هاشمی، زنده‌یاد حسین خانی‌بیک، اسرافیل علمداری، زنده‌یاد فاطمه طاهری، نسرین نکبسا، زنده‌یاد شاپور بخشایی، مهدی صباغی و... دیگر بازیگران شناخته‌شده سریال بودند.

بهترین تابستان من تلاش داشت با قصه‌ای شیرین که با قهرمانی نوجوانان پیش می‌رفت، مخاطبان خود از میان نسل جدید را با دوران دفاع مقدس آشنا کند.

روایت تاریخ استعمار

مجموعه نمایشی هیس هیچی نیس جزو معدود آثار نمایشی برای مخاطبان نوجوان بود که بهار امسال راهی آنتن شبکه دو سیما شد و پس از آن نیز از شبکه‌های دیگر همچون امید به آنتن پخش رسید. این مجموعه با حال و هوای فانتهی و حضور عروسک کنار بازیگران، آیت‌هایی را برگرفته از کتاب سرگذشت استعمار روی آنتن برد.

دست‌اندرکاران سریال سعی کرده بودند فضا را با طراحی لباس و صحنه و همچنین افزودن کم‌دی برای مخاطبان تلطیف کنند، چون به خودی خود تاریخ استعمار کام‌بینندگان را تلخ می‌کند. زینب یزدانی، سرپرست گروه پژوهش و سردبیر مجموعه درباره شکل‌گیری این اثر در گفت‌وگو با جام جم بیان کرد: می‌خواستیم کار تاریخی انجام دهیم، ولی از آنجا که باور داریم نوجوان امروز باید

نگاه تمدنی داشته باشد و دنیا و تاریخ را خوب بشناسد تا بتواند در آینده مؤثر باشد به سمت بیان تاریخ جری‌رفتم. چون نگاه تمدنی و کلان داشتیم فکر کردیم باید بیان صرف تاریخ ایران گذر کنیم و نگاهی وسیع‌تر از تاریخ داخلی داشته باشیم. هرچند اعتقاد داریم تاریخ ایران هم همچنان به‌درستی و کامل برای نوجوان امروز نشده است. تاریخ جهان می‌تواند داده‌های جدیدی کند که مخاطب نوجوان تا به حال نشنیده است و سر شود علاقه بیشتری برای شناخت تاریخ در او به‌وجود بیاید. همچنین مخاطب را از آنچه پیشتر درباره تاریخ تجربه کرده جدا می‌کند، چون معمولاً تاریخ به زنجار خشک و برای بزرگسالان بیان شده، اما در این مجموعه برای مخاطبان نوجوان مناسب‌سازی شده است. هرچند این مجموعه اقتباس از یک کتاب است، اما برای دریا اطلاعات تکمیلی، پژوهش چندماهه داشتیم. درو مبنای ما کتاب تاریخ استعمار بود که ۱۵ جلد است.

دریچه

+

ملاقات با بچه‌های بهشت

«رحمتی فیلمسازی جوان است که در جبهه با دو هم‌رزم حسین فهمیده و بهنام محمدی، آشنا بود. وی اکنون پس از جنگ می‌خواهد زندگی فهمیده را کند اما پیدا کردن نوجوانان شبیه فهمیده و محمدی